

« هر جمعه، یک دقیقه با وحی: » (شماره: ۴۲)

با «هیچ عبادت و عامل دیگری» (از درون و بیرون) نباید خود را «تافته جدابافته» بپنداریم.

« از واژه‌های مهم قرآن » و « جامعترین صفت خدا »، «رَحْمَان» است زیرا « سایر صفات خدا »، « جلوه رحمانیت » اویند و هر مسلمانی آن را « ده‌ها یا صدها بار » با « بسم الله » در آغاز هر کار و با « حمد » در نمازهایش باید به خود « تذکر » دهد و به خود « بفهماند » که خداوند « منبع رحمت » و جهان « جلوه رحمت » اوست و « رحمت رحمانی » او « عام » و برای « همه خلایق (بدون استثنا) »، « یکسان » است و بر « همه مخلوقات » به صورت « برابر » می‌بارد. لذا قرآن می‌فرماید:

« الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى » (طه/۵)

لذا برای « رحمان »، داشتن « فرزند »، « محال » است زیرا در آن صورت رحمتش « عام » نخواهد بود:

« وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا » (مریم/۹۲)

نکته مهم: « شیطان »، « منکر رحمانیت » و « عام بودن رحمت خدا » است و با آن « نافرمانی » دارد:

« يَا أَبْتِ! لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا » (مریم/۴۴)

زیرا « شیطان » مخلوقی « ظاهربین و خودخواه و اهل مقایسه و تکبر » و « خودبرتربین » است: قال: مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ؟ قَالَ: أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (أعراف/۱۲) متأسفانه « اکثر افراد بشر » نیز به « رحمانیت خدا »، « کفر » می‌ورزند و آن را « قبول ندارند »:

« كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ ... وَ هُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ ... » (رعد/۳۰)

« وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا ... وَ هُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ » (انبیاء/۳۶)

(آنها که حق ستیزند هرگاه تو را ببینند به مسخرهات می‌گیرند ... در حالی که آنها حتی به « ذکر رحمانیت » نیز کافرند.)

« وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ: اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا: وَمَا الرَّحْمَنُ؟ ... » (فرقان/۶۰)

(و وقتی به آنها گفته شود: همه باید در خدمت رحمانیت خدا باشید، گویند: « رحمان چیست؟ ... »)

« مشکل اکثر مردم » با رحمان چیست؟ اینست که « تعقل » ندارند: « أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ » (مائده/۱۰۳)

زیرا « بندگی مخلصانه رحمانیت خدا » ثمره « تعقل » است: « العقل، ما عبد به الرحمن » و بنده عاقل به « تعهدات » خود عمل می‌کند و با بهانه « هیچ چیزی » خود را « تافته جدابافته » و « زن برتر » نمی‌پندارد و از خداوند « توقع معجزه و توجه ویژه » ندارد تا با شیطان « همراه » نشود:

« وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ » (زخرف/۳۶) (بی‌اعتنائی به رحمان = همسایگی با شیطان)